



پیام سندیگا

پیام آور سندیگاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
شماره ۱۱۹ / سال یازدهم / بهمن ماه ۱۴۰۱ / نشریه سندیگاهای کارگری ایران



زلزله حاصل اقدامات دولت هاست!



نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۱۹ /
سال یازدهم / بهمن ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۳

کلاه گشاد بودجه بر سر کارگران! ص ۱۰

تحریم های کارگری موثر است! ص ۱۲

یکشنبه های اعتراض! ص ۱۴

نمایندگانی بی خبر از همه جا! ص ۱۶

تکلیف کارخانه های تساجه خواهد شد؟ ص ۱۷

رنج های بازنشستگان ص ۱۸

کارگرانی که «ساده» باقی ماندند! ص ۲۲

دستاوردهایی که از دست طبقه کارگر می رود! ص ۲۴

وام یا رانت! ص ۲۶

حذف یارانه دارو برای بازنشستگان ص ۲۷

یادی از استوره مقاومت! ص ۲۹

مافیای «کدایان تهران و توابع» ص ۳۲

خانم زیلابی بزرگوار! خسته نباشید! ص ۳۵

زنان موفق کشورمان را بشناسیم! ص ۳۷

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۰

بحران آب در فیروزکوه ص ۴۴

زندانی در برزیل! ص ۴۷

سخنان خوزه موخیکا رییس جمهور فقیر ص ۴۸

درسنامه ص ۵۰

اهمیت تقویت جنبش کارگری و سندیکایی! ص ۵۱



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعة کنید

زلزله حاصل اقدامات دولت هاست!

خواهران و برادران اتحادیه سراسری فلزکاران ترکیه و فدراسیون قهرمان دیسک

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تاسف عمیق خود را از زلزله اتفاق افتاده در منطقه بازارچیک قهرمان ماراش به شما و زحمتکشان ترکیه اعلام می دارد.

در همه جهان سرمایه داری دولت ها برای سود بیشتر محیط زیست را نابود کرده و باعث بلایایی چون زلزله و سیل می شوند و بدین طریق ثابت می شود که جان انسانها برایش ارزشی ندارد. جان باختن ۳۳۹۰ نفر و مجروح شدن ۲۰ هزار نفر یک قتل عام عمدی دولتی است که ما آن را محکوم می کنیم.

تنها مبارزات متحدانه و همبستگی کارگری می تواند به این کشتار خاتمه دهد. تاسف عمیق و همدردی ما را بپذیرید.

مازیار گیلانی نژاد

مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

(UMMI)

۲۰ بهمن ۱۴۰۱

مردم زلزله زده خوی تنها نیستند!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یک کامیون لوازم ضروری توسط اصناف عجبشیر و اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به خوی ارسال و به دست مردم رسید.

این محموله به ابتکار اعضای سندیکا جمع آوری و ارسال گردید.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

گرامیداشت انقلاب بهمن در ذوب آهن!

۱- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، گرامیداشت انقلاب بهمن با شعارهای: «بومی سازی در ذوب آهن و افزایش بهره وری» آغاز شده است.

آیا خواسته های زحمتکشان در بهمن ۱۳۵۷ فقط همین ها بود؟ آیا انقلاب شد فقط بهره وری و بومی سازی صورت بگیرد؟ آیا قرار نبود دیگر دختر رحمان به دلیل بی پولی از تب نمیرد؟ آیا قرار نبود دیگر کسی به خاطر حق خواهی دستگیر

و زندانی و از کار بیکار نشود؟ آیا قرار نبود دستان کارگر بوسیده شود نه آنکه برای وام های ناچیز دست گذاری به سمت بانکهها دراز کند؟ نه تنها دست کارگر بوسیده نشد بلکه با قراردادهای موقت و سفید امضا و حقوق کمتر از تورم و قوانین ضد کارگری و اخراج و گرفتار کردن کارگران فعال، با ایجاد شوراهای مذهبی و سرکوب سندیکاهای کارگری، دستان کارگران بیشتر زیر تیغ ستم رفت. در ذوب آهن امروز هیچ تکنسین و کارگری حقوق مناسب نمی گیرد. مدیران برای درآمدزایی و بالا بردن سود نمی خواهند طبقه بندی مشاغل را اجرایی کنند. تلاش برای پیدا کردن رهبران اعتصابیون در دستور کار حراست قرار گرفته است. استخدام مدیران بی عرضه و غیرمتخصص با حقوق های افسانه ای و وام های بی بازگشت و از همه مهمتر خیمه زدن مافیای در ذوب آهن، کارهایی است که خیانت مسلم به خواسته های انقلاب بهمن می باشد.

مدیریتی که حتا از پس رفع مشکل سیستم گرمایشی رستوران رسالت و سرد بودن آب گرم سرویس بهداشتی در سطح کارخانه از جمله کارگاه اکسیژن بر نمی آید، از کارگر بهره وری هم طلبکار است.

یاد سندیکالیست های اعتصابی و اولین شورای ذوب آهن سال ۱۳۵۷ از جمله کارگر کوره زنده یاد آقای معروفی و پسرش و آقای قادر عظیمی همیشه در یاد کارگران باقی است. خواهیم کوشید تا دستاوردهای انقلاب بهمن در کشورمان اجرایی شود.

۲- خرابکاری مافیای در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در جلسه ای که آرش شفيعی سرپرست معاونت سرمایه های انسانی ذوب آهن با مدیران منابع انسانی داشت، این مدیران به ایشان گوشزد کردند که بازنشستگی تعداد زیادی از متخصصین ذوب آهنی در سال جاری اتفاق خواهد افتاد و این مشکل را می بایست بطور جدی به آن پرداخت و جایگزین مناسب برای آنان پیدا کرد. مافیای نئولیبرالیسم که برای

نابودی صنعت دست به هر کاری می زند و با ایجاد ۱۱ کارخانه فولاد در شهرهای کم آب، منابع مالی را به هدر داده است با برنامه ریزی تلاش کرده است صنایع را از متخصصین مجرب خالی کند. امروز در ذوب آهن هم مشخص شده است که این شرکت به همراه مدیران ناکارآمد و بی عرضه که فقط نام مدیر را یدک می کشند هیچ تدبیری را برای آموزش جوانان متخصص جهت جایگزین شدن تکنسین های قدیمی که در حال بازنشسته شدن هستند، از مدتها پیش بینی نکرده است. سندیکای فلزکار مکانیک در این چند سال بارها از جایگزین کردن جوانان در موقعیت های تخصصی که پدرانشان دارند را گوشزد کرده بود تا این جوانان قبل از بازنشسته شدن پدرانشان در کنار آنان بیاموزند و متخصص شوند تا هم اشتغالزایی صورت گیرد و هم پدران با دلسوزی تمام همه داشته های خود را به نسل بعد منتقل کند.

به نظر کارشناسان ذوب آهنی بی تردید در سال آینده، هم حوادث کاری و هم مشکل کاهش کیفیت و هم آمار رکود و خرابی دستگاهها افزایش خواهد یافت. خیانت های مدیران نئولیبرال همچنان در صنعت کشور ادامه خواهد داشت.

۳- طرح طبقه بندی مشاغل ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آرش شفيعی سرپرست معاونت سرمایه های انسانی ذوب آهن که به تازگی به این سمت منصوب شده است و آمده تا به قول خودش مسیرها را اصلاح کند، روز ۱۱ بهمن در دفتر معاونش با تعدادی از اعضای «کمیته بررسی بهبود، تقویت کارشناسی محتوای طرح طبقه بندی» نشست را برگزار کرد و مقرر شد هر هفته در خصوص تصمیمات اتخاذ شده اطلاع رسانی کنند. طبقه بندی مشاغل با دستور مدیرعامل ذوب آهن در سال گذشته قرار بود تا آخر پاییز امسال اجرایی و به کارگران ابلاغ شود. ولی آنچه در حال حاضر در مدیریت ذوب آهن روی می دهد فقط کمیته سازی است تا طرح طبقه بندی مشاغل تا آنجایی که می شود عقب بیفتد و کارگران بازنشسته از این امر سود نبرند. به نظر کارشناسان سندیکایی مستقر در ذوب آهن بطور

قطع به یقین طبقه بندی تا پایان سال اجرا نخواهد شد به ویژه اینکه مدیرعامل هم عوض شده است. اعتصاب ماه گذشته کارگران ذوب آهنی که در خصوص طبقه بندی مشاغل روی داد هشداری سخت به مسوولین ذوب آهن بود و مافیای ذوب آهن را بر آن داشت تا این امر را فرسایشی و طولانی کنند. طبق اطلاعات ما تا آخر اسفند حداقل ۵۰۰ نفر کارگر بازنشسته می شوند که تعداد زیادی مدیران و سرپرستان ذوب آهنی را شامل خواهد شد که اجرای طبقه بندی مشاغل در مستمری آنان اثر چشمگیری خواهد داشت ولی با این روند، این بازنشستگان زیان بزرگی را متحمل خواهند گشت و مستمری آنان با تورم سال آینده، گذران سختی را نوید می دهد.

آنچه مسلم است اعتصاب دیگری در راه خواهد بود تا مدیران و مافیا بدانند پولاد مردان ذوب آهنی با نابودکنندگان معیشت خود شوخی ندارند.

۴- روز پدر در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با هیاهوی بسیار روابط عمومی ذوب آهن با یک نمایش ساختگی به سراغ عبدالله کهزاد کارگر بخش فولادسازی شرکت در محل کارش رفته تا پسرش با شاخه گلی بر دستان پینه بسته پدرش بوسه زند. این نمایش در حالی برگزار می شود که طبقه بندی مشاغل در مسیر اداری-فرسایشی خود توجهی به معیشت و حقوق این کارگر زحمتکش ندارد و گرنه می توانست تا اجرای طبقه بندی مشاغل بطور علی الحساب حقوق کارگران را افزایش می داد تا در این گرانی پدران با سربلندی به خانه بروند و کمی از رنج جانکاه گرانی کاسته شود.

مولا علی مظهر عدالت بود نه نمایش های احمقانه. سرمایه داری برای ندانن حقوق حقه کارگران دست به هر حقه بازی و سواستفاده از اعتقادات مردم و کارگران می زند. شرم بر شما باد.

برای پیمانکاران بد حساب کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار اله یاری از شرکت فرابنروسازان اراک که در پتروشیمی بوعلی ماهشهر مشغول بکار بود با کارگران خود نامردی کرده و حقوق اسفند سال گذشته و عیدی و پاداش این کارگران را تا امروز پرداخت نکرده است. اله یاری که دیگر به تلفن کارگرنش جواب نمی دهد به کارگران گفته بود در خوابگاه بمانید تا تا پولتان را بدهم و بعد هم به آنان گفت که خوابگاه را ترک کنید من پولتان را خواهم داد. این ترفند در خوابگاه بمانید و بعد بروید برای این است که او با تحت فشار قرار دادن کارفرما و وانمود کردن اینکه کارگران تا پولشان را نگیرند نمی روند، پولش را گرفته و بعد کارگران را سرگردان رها کند. تا دو هفته قبل مبینی مدیرمالی این پیمانکار و زهری سرپرست کارگاه به کارگران گفته اند که ما پول طلبکاریم اگر گرفتیم حقوق شما را خواهیم داد و از آن به بعد هم دیگر پاسخ کارگران را نمی دهد. این پیمانکار قانون ۱۰/۲۰ را رعایت نکرده و لیست بیمه کارگران خود را کارگر ساده رد می کرده است.

به این پیمانکار بی اخلاق و زرنگ می گویم که سندیکا از طریق قانونی حقوق کارگران و جریمه های دیرکرد آن را از تو خواهد گرفت و نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای آقای گیلانی نژاد هم برای اینکه ترا از پروژه ها بیرون بیاندازد اقدام خواهد کرد. پس تا دیر نشده طلب کارگران را پرداخت کن.

کارگران باید یاد بگیرند تا تسویه حساب نکرده اند محل کار خود را ترک نکنند و دچار اینگونه مصیبت ها نشوند.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران سنگر کارگران
پروژه ای**

اعتصاب بازنشستگان مجتمع مس سرچشمه

بر اساس گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه ، در روز ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ بازنشستگان مجتمع مس سرچشمه با جمعیتی انبوه در درگاه ورودی این مجتمع دست به اعتصاب زدند.

بنا به گزارشات دریافتی از این اعتصاب، پس از انتصاب مدیرعامل جدید شرکت ملی مس ایران، آقای رستمی، ظاهراً تغییرات ناخوشایندی در نظام این شرکت در حال روی دادن است. بدین ترتیب که طی یکی از تصمیمات ایشان در ۵ اسفند ۱۴۰۰، صندوق بازنشستگان مس بدون اطلاع و رضایت سهامداران این صندوق به زیر مجموعه ی وزارت رفاه منتقل شده است.

به تبع این تصمیم، تعداد زیادی از شرکت های مقتدر زیر مجموعه ی صندوق بازنشستگی رو به ورشکستگی رفته و منابع مالی حقوق بازنشستگان و مزایای ایشان که قبلاً مستقل بود در حال انتقال به سازمان تامین اجتماعی بوده و امکان تامین مزایا و تسهیلات قبلی را برای بازنشستگان ندارد.

طی این تجمع درخواست بازگرداندن بازنشستگان به صندوق مطرح بوده و بازنشستگان موکداً اعلام کرده اند که در صورت محقق نشدن مطالبه شان، این اعتصابات ادامه خواهد یافت.

قابل ذکر است که به طور هم زمان بازنشستگان در همین روز روبروی دفتر مرکزی شرکت ملی صنایع مس واقع در خیابان ولی عصر تهران نیز دست به تجمع زده اند.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

اخراج به دلیل حق خواهی!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از اعتصاب ۳ روزه ۲۰۰ کارگر شرکت سرما آفرین در کرج و برخورد قلدر منشانه مدیرعامل آقای کلاهدوز با این کارگران نسبت به عقب افتادن حقوق ها، ۵ کارگر این شرکت را اخراج و ۲ نفر از آنان نیز توسط پلیس دستگیر و زندانی شدند.

وزارت کاری که باید به عملکرد کارفرمایان نظارت کند، و می بایست وارد ماجرا شده نه تنها مدیرعامل این شرکت را جریمه می کرد بلکه از اخراج این کارگران حق خواه هم جلوگیری می نمود، اما نه تنها وارد عمل نشد بلکه چشمان خود را طبق معمول به روی این اجحافات کارفرمایان بست و از این حرکت های غیرقانونی هم پشتیبانی می کند.

وزارت کار تبدیل به وزارت کارفرما شده است.

کلاه گشاد بودجه بر سر کارگران!



بودجه سال ۱۴۰۲ در حالی به مجلس می رود که انتقادهای بر آن هر روز افزایش یافته و از دیدگاههای متفاوتی ابراز می شود. از دیدگاه زحمتکشان سوال این خواهد بود که این بودجه چه نفع و ضرری برای ستمکشان دارد. با توجه به ابراز نظر کارشناسان اقتصادی کسری این بودجه مبلغی در حدود ۳۷۶ هزار میلیارد تومان است که این کسری باعث افزایش تورم و خالی تر شدن سفره های کارگران است.

این بودجه بندی کلاه گشادی را می خواهد بر سر طبقه زحمتکش بگذارد، از نان گرفته تا موضوع درمان و صندوق تامین اجتماعی.

یارانه نان امسال ۷۱ هزار میلیارد بود که برای سال آینده به ۵۶ هزار میلیارد تقلیل پیدا کرده و به معنای آن است که نان حداقل ۲۰ تا ۲۵ درصد گران تر خواهد شد و یا از کیفیت و وزنش کاسته می گردد.

در موضوع درمان هم دولت ۱۵ هزار میلیارد برای سال جاری بودجه اختصاص داده بود که برای سال آینده این رقم به ۶۹ هزار میلیارد در نظر گرفته شده است. به ظاهر افزایش ۴۰۰ درصدی درمان در بودجه سال آینده پیدا کرده است اما دمب خروس از آنجا آشکار می‌گردد که ۱۵ هزار میلیارد با ارز ۴۲۰۰ هزار تومانی بودجه بندی شده بود اما این ۶۹ هزار میلیارد با ارز ۲۸ هزار تومانی. یعنی سرانه درمان حداقل ۷ برابر سقوط خواهد کرد و مردم و زحمتکشان باید بهداشت و درمان را ۷ برابر گرانتر از امسال بخرند. که البته با پولی شدن دارو در بیمارستان ملکی میلاد تهران آغاز شده است.

در خصوص بدهی های دولت به صندوق تامین اجتماعی زحمتکشان هم در یک ترفند آشکار بودجه صندوق تامین اجتماعی از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده به ۱۶ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است تا روند ورشکسته سازی صندوق تامین اجتماعی سرعت بیشتری بگیرد.

این سه نمونه گفته شده به زبان ساده کارگری یعنی اینکه گرسنگی بیشتری در این بودجه برای زحمتکشان در نظر گرفته شود. با این بودجه باید ۷ برابر کمتر مریض شد و یا اینکه از مریضی بمیرد. از سوی دیگر صندوق تامین اجتماعی را با ندادن بدهی دولت به آن، ورشکسته خواهیم کرد که هم از افزایش دستمزد ها خبری نباشد و هم برای بازنشستگان از همسان سازی خبری نباشد تا پولی برای خرج کردن نداشته باشی.

بودجه ۱۴۰۱ یعنی نان گرانتر- گرسنگی بیشتر، درمان گرانتر- مرگ و میر بیشتر آن هم با جیب خالی.

مازیار گیلانی نژاد

۴ بهمن ۱۴۰۱

تحریم های کارگری موثر است!

تجربه یکی از کوشندگان کارگری را که با تحریم کارگری باعث بهبود شرایط زیستی کارگران گردید را در اینجا نقل می کنیم:

با سلام، با توجه به اینکه من ارتباطات گسترده ای با کارگران دارم و برایشان در حد توانم کار پیدا می کنم لذا بسیاری از شرکت ها برای استخدام کارگران با تجربه و حرفه ای با من تماس می گیرند. چندی قبل رییس یکی از کارگاههای عسلویه از من درخواست نیرو کرد. تعدادی کارگر معرفی کردم. کارگران همان شب زنگ زده و اعلام کردند که ما داخل خوابگاه نمی رویم. وضعیت خوابگاه نامساعد است. همان شب به کارگران گفتم وسایلشان را برداشته به شرکت پتروپالایش بروند. چند روز بعد بازدیدی از خوابگاه کردم، واقعا وضعیت بدی داشت یه خانه با ۲۰ کارگر و ۲ تا دستشویی. وضعیت به قدری اسفناک بود که کارگران کلافه زده در راهرو می خوابیدند. چندی نگذشت که رییس کارگاه مذکور دوباره درخواست کارگر کرد. گفتم با شما حرف دارم. چند روز بعد وارد کارگاه شان شده مسئول خدمات را پیدا و به او گفتم خوابگاه بدی دارید. ایشان گفت این کارگران ناشکر هستند. من کارگری دارم که ۲ سال است در آشپزخانه می خوابد. رو به او کردم و گفتم هیچ استادکاری برایتان کار نخواهد کرد و منم کارگران را با این شرایط کاری به شما معرفی نمی کنم.

از آنجایی که این شرکت کارش ساختمانی و تخریب هست و متاسفانه ۹۰ درصد کارگرانش ساده هستند و ناآگاه و از شرایط کاری بی خبر و مستاصل و بیچاره در نتیجه به این شرایط تن می دهند. با رییس کارگاهش خیلی محکم حرف زده و گفتم گویا تجربه کار با کارگران پارس جنوبی ندارید و کارگر متخصص را با افغانی های بینوا اشتباهی گرفته اید. بعد از چند روز تماس گرفت که خوابگاه با کلیه امکانات در نخل تقی گرفته ام برایم کارگر بفرست. از خوابگاه جدیدش

بازدید کردم و به دوستان کارگر زنگ زدم که شرایط درست شده برای کار مراجعه کنید.

متأسفانه شرایط در بیشتر پروژه های نفتی و پالایشگاهی بسیار اسفناک بوده و کارگران هم به دلیل بیکاری زیاد مجبور به تحمل چنین شرایطی هستند اما می توان یک ماه بیشتر بیکار بود اما کارفرما را وادار به رعایت حقوق کارگری کرد.

کسانی که جامعه خود را نمی شناسند!

دریکی از شبکه های اجتماعی متنی رامشاهده کردم که از مردم می خواست برای مبارزه با گرانی و گرانیفروشی از خرید اتومبیل های صفر کیلومتر و سکه طلا و طلا و لوازم خانگی خودداری کنند و در واقع خرید اقلامی از این دست را تحریم کنند. این افراد گویا فراموش کرده اند که بیش از هشتاد درصد مردم ایران منجمله چهل و پنج میلیون انسان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی از خیلی وقت پیش از دایره خرید خیلی از اقلام از جمله اقلام فوق اخراج شده اند. اگر عموم مردم ایران بخواهند برای مبارزه با گرانی و گرانی فروشی، خرید برخی از اقلام را تحریم کنند باید گوجه فرنگی، نان بربری، گردن مرغ، لاستیک دست دوم اتومبیل، ماست و کباب کوبیده سنگ دان مرغ، بلیط اتوبوس بین شهری و شهری، بلیط مترو، و اقلامی از این دست را تحریم کنند زیرا توان خرید پرآید نود میلیونی، سکه بیش از هفت میلیونی و یخچال فریزر چهل میلیونی، خریدهای اختصاصی رانت خواران ویژه خواران سرمایه داران بزرگ اختلاسگران میلیاردی نزلخواران سفته بازان و عوامل شبکه گسترده دلالی و صاحبان رانتهای اطلاعاتی است. بله اکثریت مردم ایران خیلی وقت است که از دایره خرید اینگونه اقلام اخراج شده اند.

یکشنبه های اعتراض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲ بهمن بازنشستگان در شهرهای تهران و شوش تجمع کردند. بازنشستگان شوش، کرخه و حر که در مقابل اداره کل تامین اجتماعی شوش تجمع کرده بودند خواستار:

- ۱- اجرای ۲۵ درصد متناسب سازی سال ۱۴۰۰ ۲- اجرای متناسب سازی سال ۱۴۰۱ ۳- پرداخت عیدی کارگری به بازنشستگان ۴- اجرای ماده ۸۹ تامین اجتماعی و درمان رایگان ۵- اجرای انتخابات کانون بازنشستگان شهرستان ۶- عدم واگذاری بانک رفاه در قالب اصل ۴۴ را خواستار شدند.

در تهران نیز بازنشستگان با همه تهدیداتی که در دو هفته گذشته شده و از تجمع منع گردیده بودند و با آنکه مدیریت کانون تهران از دادن سالن اجتماعات به این بازنشستگان نیز خودداری کرده بود اما برغم همه این موارد بیش از ۲۰ تن از بازنشستگان در مقابل کانون بازنشستگان تهران گرد آمده و خواستار مطالباتی که بازیچه دولتمردان گشته است شدند. سال در حال پایان یافتن است اما از ۲۵ درصد همسان سازی با همه وعده های هیات مدیره بی عرضه کانون ها عملی

نگریده است. بسیاری از بازنشستگان با این جمع همدلی می کردند. بازنشستگان تهرانی خواستار درمان کارآمد و رایگان، نان-سلامت-کرامت انسانی، عیدی کارگری معادل ۲ ماه برای بازنشستگان، دست‌ها از بانک رفاه کوتاه، رعایت اصل ۲۷ قانون اساسی و آزادی راهپیمایی و تجمع، پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی شدند.

هر چند افراد ناشناسی این تجمع را رصد می کردند اما بازنشستگان با اقتدار خواسته‌های خود را مطالبه کردند و هیچ کدام از هیات مدیره هم جرات پایین آمدن و پاسخگوی اینان نشد

تا نتیجه نگیریم همچنان هستیم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در ۹ بهمن بازنشستگان مطالبه‌گر تهرانی با وجود سرما در مقابل کانون بازنشستگان تهران تجمع کردند. این بازنشستگان که به عملکرد کانون اعتراض دارند و می‌گویند کانون به دنبال مطالبات آنان از

جمله ۲۵ درصد همسان سازی باقی مانده سال ۹۹، بهبود درمان و پیگیری نکردن پولی شدن داروها در بیمارستان میلاد، افزایش مستمری سالانه، عیدی مانند کارگران ۲ ماه، جلوگیری نکردن از فروش بانک رفاه، ...گرد هم آمده بودند. این بازنشستگان در پاسخ بازنشسته ای که می گفت: «آیا این اعتراضات نتیجه خواهد داد؟» یکصدا گفتند: تا نتیجه نگیریم همچنان هستیم!

نمایندگانی بی خبر از همه جا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، علی دهقان کیا رییس کانون بازنشستگان تهران در خصوص پولی شدن داروهای بیمارستان میلاد در تاریخ ۴ بهمن به خبرگزاری ایلنا می گوید: «بیمارستان های ملکی تامین اجتماعی که هیات امنایی اداره می شوند برای دارو پول می گیرند. قبلن ۹۰ دارو از شمول بیمه خارج کرده بودند و حالا هم ۱۵ قلم داروی ساده و پرمصرف سرماخوردگی را در بیمارستانی چون میلاد پولی کردند»

متأسفانه هیات مدیره های کانون های بازنشستگی نه تنها در غفلت و بی خبری به سر می برند بلکه با این اظهارات بی عرضگی خود را به نمایش می گذارند. قبلن به دهقان کیا گفته شده بود: «نماینده کسی است که برای گرفتن حق بازنشستگان رختخوابش را جلوی درب اتاق مسوولین پهن کرده تا گرفتن نتیجه پیگیر باشد»

هیات مدیره بی عرضه ای که معلوم نیست سرشان کجا بند چه کاری است، باید از امور بازنشستگان غافل باشند. جالب اینجاست که از ۱۱ نفر هیات مدیره کانون تهران ۳ نفر مانند آقای حسن صادقی اصلن مسوولیت قبول نکرده اند چون باند خانه کارگر در اقلیت هیات مدیره ماند. این افراد بی مسوولیت و بی عرضه که سرشان بند منافع جناحی و پولی خود است باید در کانون ها جا خوش کنند تا مافیای لانه کرده در سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار تا می توانند دستاوردهای زحمتکشان را تاراج کنند. در سال جاری چشمان کور خود را بر

روی تصاحب بانک رفاه بستند، همسان سازی را بی خیال شدند، بی عرضه هایی چون خودشان را مانند بیات و اسدی را به کانون عالی آوردند تا ۱۵ قلم داروی سرما خوردگی هم پولی شود. آفرین بر این همه بی عرضگی!

تکلیف کارخانه های تسا چه خواهد شد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با مصوبه سران سه قوه برای فروش اموال دولت (بخوان مردم) که در اختیار و نظارت دولت بود و تعجب همگانی را نیز در پی داشت، سوالاتی برای مردم و کارشناسان اقتصادی، سیاسی، صنفی بوجود آورد. از جمله اینکه تکلیف کارخانه های خریداری شده از سازمان تامین اجتماعی مانند شرکت تسا در کرج و اشتهر جان اصفهان که مبالغ خریداری شده اش بعد از این همه سال هنوز به سازمان پرداخت نشده است چه خواهد شد؟ یعنی کارخانه ای را که نسبه از سازمان خریده اند و در طی این سالها پولش را هم نداده اند و سودش را هم برده اند و در بودجه آینده هم قرار نیست دولت بدهی ۶۰۰ هزار میلیاردی خود را به تامین اجتماعی بدهد، آیا به لحاظ قانونی قابل فروش است؟ آیا می توان مال نسبه را نه تنها سودش را کامل به جیب زد و حال هم فروخت و باز هم پولش را نداد؟ البته این گونه اموال که به طور نسبه فروخته شده و پولش به خزانه سازمان تامین اجتماعی برنگشته است فراوان است که هم کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی لیست آن را دارد و حرکتی هم برای وصولش نمی کنند و هم ریاست سازمان تامین اجتماعی.

پرسش این است وظیفه رییس سازمان تامین اجتماعی در قبال این فروش «مال غیر» چیست و اعضای بی عرضه کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی چرا در خصوص این گونه اموال زحمتکشان، روزه سکوت گرفته اند؟

رنج‌های بازنشستگان

در بیمارستان میلاد دارو رایگان نیست!

احمد قاسمی فعال در امور بازنشستگان می گوید: «چند ساعت وقت صرف کنی و از سوی دیگر شهر خودت را به «میلاد» برسانی و تازه متوجه شوی، «هیات امنای بیمه‌ای که سی سال با خون دل پرداخته‌ای، تکلیف تازه مقرر کرده است»

آیا بیمارستان میلاد فروخته شده؟

پیرمرد با محاسن سفید، فیش‌های واریزی را در دست داشت؛ به راحتی قدم برنمی‌داشت اما مصمم بود که بداند چرا برای یک سرماخوردگی ساده در بیمارستان میلاد -بزرگترین بیمارستان ملکی تامین اجتماعی در کشور- باید ۵۱ هزار و ۵۰۰ تومان بابت دارو بپردازد، داروهایی بسیار ساده مثل قرص سرماخوردگی بزرگسالان و شربت سینه... وقتی سراغ ما آمد که قبل از آن برای شکایت سراغ کانون بازنشستگان تهران رفته بود.

با محاسن سفید و قد خمیده، بیست سال بعد از بازنشستگی، برای سرماخوردگی به بیمارستان میلاد تهران مراجعه کرده بود و مدتی در انتظار ایستاده بود؛ بعد از ویزیت توسط یک پزشک عمومی، نسخه در دست به داروخانه رفته و آنجا فهمیده بود که سی سال بیمه پرداختن و بیست سال کسر دو درصد از مستمری ناچیز بازنشستگی، فایده‌ای نداشته: «گفتند باید پول داروها را بدهی؛ پرسید:» مگر دارو و درمان در میلاد رایگان نیست؟» گفتند: «مدتی ست که داروها پولی شده» گفت: «حتا داروهای ساده‌ی سرماخوردگی؟! پس چرا من از آن سر شهر بکوبم بیاییم میلاد در صف بایستم و درد کمر و خستگی را تحمل کنم؛ چرا سی سال پول بیمه دادم؛ چه کسی تصمیم گرفته که داروهای بازنشستگان پولی باشد؟»

«احمد قاسمی» از فعالین امور بازنشستگی است. چندین سال از بازنشستگی‌اش می‌گذرد (حداقل بیست سال)، سی سال به تولید کشور به عنوان یک کارگر

زحمتکش خدمت کرده و هر سال به پول امروز، بیشتر از بیست و سه، چهار میلیون تومان پول به حساب تامین اجتماعی ریخته که قرار بوده نه/بیست و هفتم این پول‌ها برای درمان صرف شود، آنهم درمان کاملاً رایگان در تمام بخش‌های درمانی کشور؛ حالا اما درمان در همان مراکز ملکی تامین اجتماعی حتا برای سرماخوردگی رایگان نیست....

قانون الزام تامین اجتماعی سال ۱۳۶۹ تصویب شد؛ این قانون می‌گوید که تمام نیازمندی‌های درمانی کارگران و بازنشستگان از ویزیت پزشک گرفته تا رادیولوژی و دارو، حتا اعزام به همراه یک همراه به خارج از کشور باید صد درصد رایگان باشد؛ قبل از آن، اصل ۲۹ قانون اساسی مصوب شده بود که تاکید می‌کرد «بیمه و درمان باید برای تمام آحاد مردم رایگان باشد»؛ اما بعد از سال ۶۹، مسیر آنگونه که قانون می‌گوید پیش نرفت؛ کالایی‌سازی درمان از همان سال‌های ابتدای دهه ۷۰ آغاز شد و به جایی رسید که امروز داروهای ساده در بیمارستان میلاد، پولی‌ست.

قاسمی می‌گوید: وقتی در نهایت تعجب، ۵۱ هزار و ۵۰۰ تومان بابت دارو از من گرفتند، اعتراض کردم؛ می‌دانید چه جوابی شنیدم: «مدتی‌ست از بیماران بابت دارو پول می‌گیریم» سوال من این است که چرا باید در بیمارستان‌های ملکی تامین اجتماعی پول پرداخت کرد، مگر سهام این بیمارستان‌ها هم واگذار شده است؟ مگر این بیمارستان‌ها از پول من و امثال من ساخته نشده؟ قرار نیست لااقل در این مراکز، درمان برای ما کاملاً رایگان باشد؟ من برای پیگیری، فیش در دست به کانون بازنشستگان تهران مراجعه کردم؛ رئیس کانون تهران با مقامات مسئول در تامین اجتماعی جلوی خودم تماس گرفت ولی پاسخ قانع‌کننده‌ای در کار نبود؛ به ایشان هم جواب روشنی ندادند که چرا از بازنشستگان پول دارو می‌گیرند!

علی دهقان کیا (رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران) که موضوع صورت حساب‌های بازنشسته احمد قاسمی را دنبال کرده؛ به ایلنا می‌گوید: «سر این مساله شخصاً با مدیرکل درمان تامین اجتماعی تهران صحبت کردم؛ از ایشان پرسیدم آیا در بیمارستان‌های ملکی تامین اجتماعی، ما باید بابت اسپرین و بروفن

و قرص سرماخوردگی پول بدهیم؛ جواب داد، نه؛ در بیمارستان‌های تحت پوشش سازمان نباید پولی برای دارو داد اما بیمارستان‌هایی که «هیات امنایی» هستند، خودشان مستقلاً تصمیم می‌گیرند و برای دارو پول می‌گیرند. بنابراین چون بیمارستان میلاد هیات امنایی شده، به گفته‌ی این مقام مسئول، خودش راساً می‌تواند تصمیم بگیرد و از بازنشستگان پول بگیرد!»

او اضافه می‌کند: ما به این موضوع به شدت معترضیم؛ نود قلم دارو را قبلاً از شمول بیمه خارج کرده بودند؛ حالا هم پانزده، شانزده قلم داروی ساده و پرمصرف مثل داروهای سرماخوردگی را در بیمارستان‌هایی مثل میلاد پولی کرده‌اند. چرا هیات امنایی شدن بیمارستان‌هایی مثل بیمارستان البرز کرج و میلاد تهران، باید به ضرر بازنشستگان تمام شود؛ چرا داروهای سرماخوردگی از شمول بیمه خارج شده است؛ علت خارج شدن چیست و چه کسی برای آن تصمیم گرفته است؟ از سروته داروهای رایگان در نظام درمان تامین اجتماعی زده‌اند؛ بازنشسته حتماً باید عمل جراحی انجام دهد تا داروهای بعد از عمل رایگان باشد!»

دهقان‌کیا معتقد است؛ پولی‌سازی داروها بازه وسیعی را دربرگرفته تا آنجا که عملاً هیچ دارویی برای بیمه شدگان رایگان نیست: «زمانی ادعا می‌شد دارو‌هایی که از شمول بیمه خارج شده‌اند، بیشتر تقویتی و پوست و زیبایی و این قبیل داروهاست؛ امروز می‌بینیم که داروهای سرماخوردگی هم از شمول بیمه خارج شده‌اند؛ فردا می‌بینیم دیگر هیچ دارویی برای بیمه شده بعد از سی سال پرداخت حق بیمه رایگان نیست... مدیران تامین اجتماعی و شورای عالی بیمه در وزارت بهداشت، هر دو در این زمینه مقصرند؛ در شورای عالی بیمه، سازمان تامین اجتماعی فقط دو امضا دارد درحالی‌که بیش از ۶۵ درصد کشور تحت پوشش بیمه این سازمان قرار دارند؛ دریغ که بدون مشارکت نمایندگان ما تصمیم می‌گیرند که کدام داروها دیگر در لیست بیمه نباشند.»

اگر قرار باشد برای یک سرماخوردگی، بیشتر از ۵۰ هزار تومان پول دارو بدهی، دیگر مراجعه به مراکز ملکی تامین اجتماعی و اساساً استفاده از بیمه پایه، از معنا و مفهوم تهی می‌شود.

«چند ساعت وقت صرف کنی و از سوی دیگر شهر خودت را به «میلاد» برسانی و تازه متوجه شوی، «هیات امنای» برای بیمه‌ای که سی سال با خون دل پرداخته‌ای، تکلیف تازه مقرر کرده است...» بعد از گفتن اینها، پیرمرد فیش‌ها را از روی میز برداشت و در راه رفتن بود، از شدت درد کمر قوز کرده بود و زانوهایش دیگر جان نداشت، ناگهان برگشت و گفت: «از قول من خطاب به مسئولان بنویسید که سی سال حق بیمه ندادم که امروز به این حال و روز بیفتم، این در و آن در بزنم تا ساده‌ترین حقم را بگیرم؛ برای مسئولان بنویسید که بازنشسته‌ها از بی‌عدالتی رضایت ندارند».....

گزارش: نسرین هزاره مقدم خبرنگار خبرگزاری ایلنا ۴ بهمن ۱۴۰۱

«هیچ کار شخصی و خانودگی وجود ندارد که سیاست آن را تحت تاثیر خود قرار ندهد. سیاستمداران ضد‌مردمی توطئه‌های خود را علیه مصالح یک جامعه می‌چینند و این جامعه است که سرانجام باید تاوان آن را پس بدهد. جنگها، بحران‌های اقتصادی و سیاسی، شورش‌ها، تورم، گرانی کمبود کالا، افت تولید، عدم داشتن مسکن مناسب، مشکلات آموزشی و درمانی، دشواری ترافیک و مسافرت و حتا امروز بیماری کرونا که به زندگی شخصی و خانوادگی ما زیان می‌رساند در «آشپزخانه سیاست‌های خاص» تدارک دیده می‌شود.»

کارگرانی که «ساده» باقی ماندند!

انتقاد مازیاریگلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای از تغل مدیران وزارتخانه در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا در تاریخ اول بهمن ۱۴۰۱

چگونه تامین اجتماعی ده‌ها میلیارد تومان منابع جدید به دست می‌آورد؟

به گزارش خبرنگار ایلنا، خبرهای زیادی از بحران و ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی به گوش می‌رسد؛ این بحران بدون تردید، جدا از عدم پرداخت بدهی‌های انباشته دولت به این صندوق، دلایل دیگری هم دارد؛ مازیاری گلانی نژاد (فعال کارگری) یکی از عوامل اصلی بحران و سقوط تامین اجتماعی را بی‌توجهی مدیران تامین اجتماعی به سیر نزولی ورودی‌های این سازمان می‌داند.

او می‌گوید: در تاریخ ۲۰ دیماه وزیر کار طی اظهاراتی که در رسانه‌ها منتشر شد، اعلام کرد: «در آفاق ۱۴۰۵ منابع صندوق تامین اجتماعی و کشوری، کسری ۷۵۹ همت (۷۵۹ هزار میلیارد تومان) خواهد داشت. در سال ۱۴۰۰ ورودی به صندوق ۲۵۳ همت و مصارف ۳۷۵ همت بوده است» که به معنای ورشکستگی کامل صندوق تامین اجتماعی خواهد بود. آنچه به عنوان نماینده بخشی از کارگران پروژه‌ای شاهد آن هستم این است که وزارت کار و به تبع آن سازمان تامین اجتماعی خواهان ورشکسته شدن صندوق درمان و خود سازمان تامین اجتماعی هستند؛ چراکه هیچ تلاش معناداری در جهت حل مشکلات صورت نمی‌دهند. در تاریخ ۹ خرداد سال جاری، طی نامه‌ای به شماره دبیرخانه ۱۵۴۲۶۴۶ به رئیس سازمان تامین اجتماعی اعلام کردیم: «در جلسه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ با مدیر منطقه ویژه اقتصادی و انرژی پارس جنوبی با حضور بازرس منطقه ویژه و یک شرکت پیمانکاری مشخص شد که پیمانکاران در زمان تنظیم لیست بیمه، شغل کارگران متخصص را کارگر ساده نوشته و حق بیمه یک کارگر ساده را واریز می‌کنند. در حال حاضر کارگران متخصص اعم از جوشکار، فیتزر، داربست بند، ... حقوق ماهانه‌ای بیش از ۲۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند که حق بیمه آنان می‌بایست بطور متوسط بیشتر از ۵ میلیون تومان به سازمان تامین اجتماعی واریز شود که واریز نمی‌شود. در سایت ۱

پتروشیمی بوشهر فقط ۵ هزار کارگر کار می‌کنند که ماهیانه می‌توانند حداقل ۳۰ میلیارد تومان برای سازمان ورودی داشته باشند. اگر بازرسان شما کمی سختگیرانه‌تر این موضوع را بررسی کنند بی‌تردید سازمان در سراسر کشور دریافتی خوبی خواهد داشت که از ورشکستگی نیز رها خواهد شد.»

گیلانی نژاد می‌افزاید: در ضمیمه نامه، نام تعدادی از پیمانکاران متخلف را نام بردیم. با توجه به اینکه هیچ اقدام مثبتی صورت نگرفت مجدداً در تاریخ ۱۱ مرداد سال جاری، نامه‌ای به شماره دبیرخانه ۸۳۸۰۲۷۱۰ ارسال کرده و از اداره کل وصول مطالبات حق بیمه سازمان تامین اجتماعی خواستیم موضوع را با جدیت تعقیب کنند.

به گفته‌ی این فعال کارگری، نامه نگاری‌های متعدد و خواست پیگیری تخلفات آشکار بیمه‌ای کارفرمایان تا امروز به هیچ کجا نرسیده است. او اضافه می‌کند: امروز در پایان دیماه، هنوز پیمانکاران به تخلفات بیمه‌ای خود در سراسر منطقه عسلویه و ایران ادامه داده و حق بیمه کارگران را به جیب زده و سازمان تامین اجتماعی نیز ناظر صامت این سرقت از کارگران و سازمان تامین اجتماعی است. در اینکه وزیر کار و بازرسانش و بازرسان سازمان تامین اجتماعی در وصول حق بیمه کوتاهی می‌کنند شکی نیست و بی‌تردید درآمدهای سازمان کاهش می‌یابد و با این برنامه باید صندوق ورشکسته شود و به این ترتیب، قطعاً بخش بزرگی از تقصیر آن متوجه وزیران کار و روسای سازمان تامین اجتماعی و بازرسان‌شان است.

گیلانی نژاد در پایان نتیجه می‌گیرد: اگر سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار و بازرسان‌شان وظایف خود را درست انجام دهند و هر کارگری که مشغول به کار است را در لیست بیمه گنجانده و کارفرمایش را بابت تخلفات جریمه کنند، بی‌تردید درآمدهای سازمان بیش از ۲ برابر مخرج آن خواهد شد. شما حق بیمه‌ی بر باد رفته‌ی کارگران متخصصی را که در لیست‌های بیمه، «ساده» در نظر گرفته می‌شوند، حساب کنید؛ با عمل به قانون، فقط در عسلویه و پارس جنوبی ده‌ها هزار میلیارد تومان منابع جدید برای سازمان خلق می‌شود؛ چرا به این مساله رسیدگی نمی‌کنند؛ چرا با تخلفات آشکار کارفرمایان برخورد نمی‌شود؟

دستاوردهایی که از دست طبقه کارگر می رود!

به گزارش پیام سندیکا، بیمارستان میلاد تهران که متعلق به تامین اجتماعی است به تازگی اقدام به گرفتن مبلغ داروهای تجویزی پزشک از بیمه شده های تامین اجتماعی کرده است. با دادن اطلاع به کانون بازنشستگان تهران برای پیگیری، جناب آقای دهقان کیا رییس هیات مدیره در تماس تلفنی با ریاست بیمارستان میلاد، این اقدام را تایید کرد. این مقدمه ای است برای از بین بردن درمان رایگان بطور کامل آن هم در بیمارستان های ملکی تامین اجتماعی. این یکسوی موضوع است اما سوی دیگر آن بی اطلاعی کانون بازنشستگان به عنوان نماینده بازنشستگان تهران و متولی امور بازنشستگان است و همچنین بی عرضگی این نمایندگان در پاسداشت و نگهداری دستاوردهای زحمتکشانشان.

بی تردید این موضوع را پیگیری کرده و نخواهیم گذاشت مافیای دارو و درمان و همچنین سیاست های خانه خراب کن نئولیبرالیستی دولت، به حقوق کارگران دست اندازی کند.

گفته بودیم ما را به هموردی خود نخوانید که پشیمان تان خواهیم کرد.

طبقه کارگر زمانی به خود خواهد بالید که هدف خود را از کار کردن و کسب درآمد، و نتیجه کار خود را در آثار ماندگار خود (فرزندان طبقه کارگر، عالیترین فرزندان خود که همانا دانشمندان تمامی علوم می باشد) متجلی کرده و به معنای واقعی کلمه، کار ساده تولید شده طبقه کارگر تبدیل به کاری در عالیترین درجه باشد.



وام یا رانت!

بازنشستگان تامین اجتماعی جزو فقیرترین قشر بازنشستگان کل کشور هستند و ۸۰ درصد آنان کمترین مستمری را می‌گیرند یعنی ۵ میلیون ۶۰۰ هزار تومان. این بازنشستگان برای تامین مخارج خود عموماً بعد از بازنشستگی به دنبال کار هستند و باز هم با کمترین دستمزدها کار می‌کنند. با اعلام وام بازنشستگی اغلب این بازنشستگان در صف دریافت وام قرار می‌گیرند تا کمی از مشکلاتشان را بدین وسیله حل کنند. با آمدن کرونا سازمان تامین اجتماعی تلاش کرده و می‌کند وام را در اختیار خود گرفته و دست‌کانون‌های بازنشستگی را از آن کوتاه کند که تاکنون رخ نداده است. ناگفته نماند که این تلاش سازمان نه از سر خیرخواهی برای بازنشستگان بلکه برای لفت و لیس می‌باشد تا با این بسته پولی هنگفت به بازی‌های سیاسی و مافیایی خود ادامه دهند. کانون‌های بازنشستگی و به ویژه اعضای خانه کارگری از این وام‌ها برای مقاصد خود استفاده می‌کنند از جمله در انتخابات‌های هیات مدیره کانون‌ها و انتخابات مجلس. در حال حاضر وام ۱۲ میلیونی به بازنشستگان از امسال در حال پرداخت است. همه اعضای بازنشسته خانه کارگر این وام را در چند روزه اول اعلام دریافت کرده‌اند و باندهای مافیایی کانون‌های بازنشستگی نیز این وام را بین طرفداران خود تقسیم کرده‌اند اما بازنشستگانی که نه خانه کارگری هستند و نه در این باندها جا خوش کرده‌اند باید ماه‌ها و سالها در صف انتظار بمانند و هیچ فریادرسی نیست. در آخرین باری که سایت سازمان تامین اجتماعی در استان البرز برای پرداخت وام باز شد از ۲۶ هزار نفری که در صف بودند فقط به ۷۵۰ نفر وام داده شد. امروز ۱۳ بهمن ۱۴۰۱ نفراتی که در ۱۰ روز اول مرداد اسم نویسی کرده‌اند وام‌هایشان پرداخت شده است ۵ ماه بعد از نام‌نویسی. حالا حساب کنید که اگر امروز کسی برای ثبت نام وام اقدام کند تا آخر سال دیگر هم وام به او تعلق نخواهد گرفت. یکی از اهرم‌های ماندگاری باندهای مافیایی هیات مدیره‌های کانون‌های بازنشستگان تامین اجتماعی در انتخابات هیات مدیره همین وام هاست. برای کوتاه کردن دست مافیا از این رانتخواری، باید متحد شد.

هیات تحریریه پیام سندیکا

مشکلات حذف یارانه دارو برای بازنشستگان



حسن مرادی بازنشسته فلزکارمکانیک از حذف یارانه دارو و پولی شدن آن برای بازنشستگان در مراکز درمانی مختلف در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا انتقاد کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، حذف یارانه مستقیم دارو و قرار بر دادن این یارانه به صندوق‌های بیمه‌ای، مشکلات زیادی برای کارگران و بازنشستگان به وجود آورده است؛ در برخی داروخانه‌های کشور، حتا در داروخانه‌ی بیمارستان میلاد به عنوان بزرگ‌ترین مرکز ملکی تامین اجتماعی، دارو پولی‌ست.

دهم بهمن ماه، مرتضا حاجی کاظمی مدیرکل تامین اجتماعی اصفهان گفت: «طرح بزرگ حذف سوبسید (یارانه) دارو در سال جاری آغاز شد. تغییر نظام یارانه دارو کار بزرگی بود که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد برای بیمه هزینه ایجاد می‌کرد. این طرح از تیرماه شروع شد»

حسن مرادی (فعال صنفی بازنشستگان کارگری) در این رابطه با انتقاد از حذف یارانه دارو می‌گوید: ابراز رضایت مدیرکل تامین اجتماعی در حالی‌ست که از تیرماه داروهای قلب بازنشستگان در سراسر کشور به صورت ۵۰ درصدی داده

می‌شود یعنی اگر بازنشسته‌ای ۱۰۰ قرص احتیاج داشته باشد فقط ۵۰ عدد آن را دریافت می‌کند و مابقی را باید خود تهیه کند.

او ادامه می‌دهد: به بعضی از بیماران که دوره‌ای و به صورت مرتب دارو می‌گرفتند و بعد از ۲ ماه، نیاز به مراجعه به پزشک و دریافت دارو داشتند نیز می‌گویند فقط داروی یکماه را می‌دهیم و ماه بعد دوباره مراجعه کنید. در همین راستا مراکز ملکی که به صورت هیات امنایی اداره می‌شوند مانند بیمارستان میلاد تهران، هزینه دارو را از مراجعه‌کنندگان می‌گیرند. با حذف یارانه دارو، سازمان تامین اجتماعی ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد کمتر هزینه می‌کند و در راستای پولی کردن درمان فعالیت می‌کند. پولی شدن باعث شده با پرداخت نکردن بدهی داروخانه‌هایی که با بیمه آتیه سازان قرارداد دارند، مسئولین فنی برخی داروخانه‌ها مانند قزوین اعتراض کنند و باعث تعطیل شدن بعضی داروخانه‌های شهر شوند و یا مانند بیمارستان صدر روی سر در داروخانه نوشته‌ای نصب کنند که «اگر مسئول فنی نداشته باشیم دارو نمی‌دهیم»

به گفته وی، کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی و هیات مدیره‌های کانون‌های شهرها و استان‌ها بایستی در این زمینه اطلاع‌رسانی کنند و اجازه ندهند با تصمیمات اشتباه، تامین دارو و درمان برای بازنشستگان کم‌درآمد به یک معضل اساسی تبدیل شود. بدون هزینه دارو هم بازنشستگان در درمان مشکل دارند؛ حذف یارانه مستقیم دارو و پولی شدن آن، مشکلات درمان را بیشتر کرده است.

مرادی در پایان می‌گوید: حذف یارانه دارو به معنای مرگ زود هنگام کارگران و بازنشستگان و خانواده‌های کارگری است. کارگران بازنشسته عموماً با مشکلات جسمی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ اگر آنها نتوانند داروهای خود را رایگان و به سهولت دریافت کنند، زندگی‌شان به خطر می‌افتد؛ بنابراین مدیران سازمان باید بررسی کنند که حذف یارانه دارو، چه اتفاقاتی برای درمان بیمه‌شدگان کارگری را رقم می‌زند.

یادی از استوره مقاومت!



در انتخابات مجلس ششم رقابت محبوب و منتجب نیا آخرین نفرات لیست اصلاح طلبان به دور دوم کشیده شده بود. خانه کارگر تبلیغات وسیعی را شروع کرده بود. ضمناً دست به دامن کانون بازنشستگان تهران شده بود. سالن اجتماعات کانون پر از جمعیت بود. حسن صادقی سخنران جلسه بود او درباره ضعف طبقه کارگر صحبت می کرد و اینکه باید تمام تلاش مان را بکنیم که تنها نماینده طبقه کارگر یعنی محبوب در مجلس باقی بماند و بعد راجع به ضعف طبقه کارگر و نداشتن تشکل سندیکایی و نداشتن تاریخچه جنبش کارگری داد سخن داد. همینجا فریاد آقای علیرضا فرهادی رییس هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران بلند شد که: «آقای صادقی شما به سندیکاهای و اتحادیه ها حمله کردید. شما اسناد سندیکاهای، تمام صورت جلسات، اعلامیه، اساسنامه و اسناد تاریخی سندیکاهای را با حمله مسلحانه تخلیه کردید. کجا بردید اسناد تاریخی جنبش کارگری را؟؟ کجا بردید ماحصل دهها سال تجربه طبقه کارگر ایران را؟؟ شما باید جوابگو باشید. شماها باید بابت خیانت هایی که به مردم ما، به طبقه کارگر ما کردید شرمنده و پاسخگو باشید نه اینکه حالا با کمال وقاحت خودتون را نماینده طبقه کارگر بدویند و زجه موره کنید که فعالیت های تاریخی طبقه کارگر ثبت و ضبط نشده و ما سند تاریخی نداریم. تمام حرکات جنبش کارگری و سندیکایی سند داشت تو و برادرهای چماق دارت غارت کردید. کجا بردید. چکارش کردید؟»

تمام مدتی که فرهادی فریاد میزد حسن صادقی با ظاهر سازی متواضعانه و آرام مرتب می گفت: «اجازه بدید...» و چیزی نداشت که بگوید. بلافاصله آقای فیضی از پیشکسوتان سندیکایی و نماینده کارگران «کارخانه روغن نباتی قو» شروع کرد: «جمهوری اسلامی اسم خودش را حکومت مستضعفین گذاشته برای اینکه اسمش بی معنی نشه کارگرها را غارت می کنه و ضعیف نگه میداره که راحت تر استثمارشون کنه امثال تو را هم به زور اسلحه و چوب و چماق بالای سر خانه کارگر گذاشته که کسی نفس نتونه بکشه. آقای صادقی در طول این همه سال که محبوب نماینده مجلس بوده کدامیک از حقوق کارگر را که پامال شده بوده تونسته برگردونه؟ تشکیلات به این عریض و طوبلی کی تونسته یک قدم برای کارگر برداره؟» در اینجا علی اکبر خبازها مدیر عامل کانون بازنشستگان تهران با رندی خاص خودش موضوع را درز گرفت. او که می دید کنترل جلسه از دست صادقی خارج شده گفت: «همه میدونند که آقایان فرهادی و فیضی حقایق را با زبان تلخ و دادو فریاد مطرح می کنند بگنریم بریم ناهار بخوریم. ختم جلسه»

من احساس خوبی داشتم اینها انسان های قدرتمندی بودند که می شد به دانش تجربه و موقعیت اجتماعی شان تکیه کرد به خصوص یعقوب مهدیون که در میان کهنسالان سندیکایی باهوش ترین و داناترین و شجاع و پاکبخته ترین بود. پیرامون او جوانان نشریه آتیه بودند که با بیان شدن بخشی از ظلمی که به طبقه کارگر شده و آنها به دلیل جوانی از آن بی خبر بودند شوکه شده بودند. زنده یاد فرهادی و دوستان کهنه کار او که در مبارزات طولانی سندیکایی و اتحادیه ای فولاد آبدیده شده بودند ما را یاری کردند که هیات موسسین سندیکاهای کارگری را تشکیل دهیم. تا فرهنگ اتحاد گرایی را به نسل بعد منتقل کنیم. رهبران قدیمی سندیکای شرکت واحد قبل از سرکوب (فرهادی و دوستانش در کانون بازنشستگان و سندیکای نانوایان) توانستند به استعدادهای نوشکفته در اتوبوسرانی تهران کمک کنند تا آنها با تحمل رنجی بس طولانی و طاقت فرسا یکی از نیرومندترین سندیکاهای تاریخ جنبش کارگری ایران را بسازند. فرهادی در ذهن کارگرانی که با او پیر شدند و به کانون بازنشستگان آمدند همیشه یک تکیه گاه بود و برای جوانان مبارز یک «استوره مقاومت»

زنده یاد رضا کنگرانی فراهانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط



حسین راغفر، اقتصاددان: درآمد سرانه مردم در یک دهه گذشته به شدت سقوط کرده است. ضریب جینی که نشان دهنده نابرابری در کشور است هم مشکل دارد و نابرابری ثروت در کشور به مراتب بیشتر از نابرابری درآمدی است. ما در کشور، شاخصی برای نابرابری ثروت نداریم و اگر هم داریم جایی منتشر نمی‌شود. بنده آماری ندارم اما درآمد سرانه مردم به خصوص در یک دهه گذشته به شدت سقوط کرده است. اصلی‌ترین دلیل سقوط درآمد سرانه تورم لجام‌گسیخته و سرکوب دستمزدها است. هزینه‌ها در سال‌های اخیر به مراتب بیشتر از درآمد خانوار بوده است. داده‌های مرکز آمار کیفیت چندان ندارد و این خطای آماری به دلیل کیفیت پایین داده‌ها است.

*با حذف یارانه‌ها از ساختار اقتصاد کشور و جهانی شدن قیمت کالاها، باید دستمزد زحمتکشان نیز جهانی شود.



گزارشی تکان دهنده از مافیای «گدایان تهران و توابع»

برخی زنان که فرزندان خود را برای گدایی اجاره می‌دهند در دوران بارداری به عمد داروهایی مصرف می‌کنند که فرزندان معلول بدنیا بیاورند چون اجاره کودکان معلول برای گدایی بیشتر است.

گ.ت.ت مخفف مافیای «گدایان تهران و توابع» است. این تشکیلات هولناک محصول شرایط اجتماعی فعلی ایران است.

در حال حاضر در ایران خانواده‌هایی هستند که شغل تمامی اعضای آن تکدی‌گری است. همگی آنها عضو شبکه سازمان یافته مافیای گدایی هستند.

به گفته دکتر مجید ابهری، استاد جامعه‌شناسی، کودکانی از این دست که به نوعی کودکان کار به حساب می‌آیند از کودکی به پیری می‌رسند بدون آنکه دوران جوانی را تجربه کرده باشند و آنها را می‌توان مظلوم‌ترین مخلوقات خداوند دانست.

به گفته این پژوهشگر، این کودکان هیچگونه پوشش بیمه‌ای و درمانی ندارند. نصف حقوق یک بزرگسال را دریافت می‌کنند و اغلب مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.

۸۷ درصد این کودکان از بیماری‌های ارتوپدی، ریوی و ناراحتی‌های پوستی رنج می‌برند و غالب آنها پیش از رسیدن به ۴۰ سالگی فوت می‌کنند.

ابهری گفت: «شاید همه ما فکر کنیم کودکان سر چهارراه‌ها که مشاغل کاذب دارند، کودکان کار هستند، اما در واقع اغلب کودکان کار دیده نمی‌شوند، چرا که آنها در کارگاه‌های زیرزمینی و قاچاق مانند کارگاه‌های صابون سازی، ریخته‌گری و غیره مشغول به کار هستند.»

دکتر ابهری اضافه کرده والدین کودکان خیابانی به چند دسته تقسیم می‌شوند، اغلب این کودکان یا از داشتن پدر و مادر محرومند یا یکی از آنها را دارند یا با نامادری یا ناپدری زندگی می‌کنند، برخی از آنها نیز با وجود اینکه خانواده دارند، اما بدسرپرست هستند و یا پدر و مادر معتاد، گدا یا از کار افتاده دارند.

وی ادامه می‌دهد: متکدیان دژبان دارند و اگر یک گدای میدان فردوسی برای گدایی به میدان انقلاب برود، با او برخورد شدیدی می‌شود. خانواده‌هایی هم وجود دارند که فقط مسئول به دنیا آوردن و کرایه دادن بچه هستند و بچه‌های آنها از همان بدو تولد؛ معتاد هستند. جلوی امامزاده صالح سرقفلی برای ۶ ماه گدایی ۱۰ میلیون تومان و جلوی حرم شاه عبدالعظیم ۱۲ میلیون تومان است (البته این ارقام مال سال ۹۸ هست و درآمد این گدایان با توجه به نرخ تورم در حال حاضر خیلی بیشتر است)

ابهری گفته کودکان کار دارای مشاغل واقعی هستند، اما کودکان خیابانی شغل مشخصی ندارند، برخی از کودکان خیابانی در ظاهر به کارهایی مانند

گل‌فروشی، شیشه پاک‌کنی و غیره مشغولند اما در واقع گدا هستند و روزانه درآمدی بین ۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان دارند.

وی می‌گوید تعدادی از این کودکان جیب برند و از آنها به عنوان نوچه سارق استفاده می‌شود و ۵۰ تا ۷۵ درصد از سرقت لوازم اتوموبیل به دست آنها انجام می‌شود. آنها نزد جیب‌برهای حرفه‌ای و با سابقه آموزش می‌بینند.

دکتر ابهری در مورد سازمان گ.ت.ت توضیح داد: «۸ سال پیش با صرف ۲۵ میلیون، در مورد این سازمان اطلاعات مفصلی به دست آوردم. معمولاً سازمان‌های گدایی دارای هفت سرپل یا پدرخوانده هستند. یکی از وظایف این سازمان تعیین جغرافیای حوزه‌های گدایی برای متکدیان است. در شهر تهران هیچ گدایی نمی‌تواند خارج از محل‌های تعیین شده از سوی پدر خوانده‌ها گدایی کند. میزان سرقتی محله‌های مختلف هر شهر نیز برای متکدیان به وسیله مافیای گدایی تعیین می‌شود.»

ابهری افزود: «در سازمان گ.ت.ت، زن‌هایی وجود دارند که مسئول زاییدن کودکان هستند. هر مادر حداقل ۱۲ کودک دارد و آنها را برای گدایی اجاره می‌دهند. بهای اجاره کودکان معلول نیز بیشتر است. حتی گفته می‌شود آنها در دوران بارداری داروهای مصرف می‌کنند تا کودکانی معلول بدنیا آورند.»

بررسی‌های دکتر ابهری و همکارانش نشان داده کم‌سن‌ترین معتادان دنیا در ایران زندگی می‌کنند. نکته وحشتناک دیگر در گزارش دکتر ابهری این است که به منظور استفاده از کودکان برای گدایی، به آنها تریاک می‌خورانند تا معتاد شوند و حرف گوش کنند. در ضمن ۷۵ تا ۸۰ درصد کودکان کار و خیابانی، از مهاجرین بیگانه هستند که از پدر و مادرهایشان یا دزدیده یا اجاره یا خریداری شده‌اند. ۲۰ درصد این کودکان ملیت ایرانی دارند و منبع متحرک میکروپ و ویروس ایدز و هیپاتیت هستند.

خانم زیلابی بزرگوار! خسته نباشید!



خانم زیلابی صمیمانه از زحمات چندین ساله شما تشکر می کنیم. بدون مزد و مواجب، حتا گاه با هزینه شخصی پیگیر پرونده های کارگران هفت تپه از شوش و دزفول تا اهواز و تهران بودند.

در این روزگاری که اکثر مردم همه چیز خود را دو دوتا چهارتا انجام می دهند، ایشان بدون چشم داشت و از سر انسانیت تا پایان کار کنار کارگران ماندند و حتا در این راه برای پا پس کشیدن از پرونده کارگران بارها تهدید شدند و برای ایشان پرونده سازی هم شد، اما یک قدم عقب نشستند و هر بار مصمم تر از همیشه پیگیر شدند. درود بر این همه غیرت و زنانگی شما!

درود بر شما که الگویی برای تمام زنان و مردان آزادی خواه کشورمان هستید.



یک تصویر و هزاران درد. اینجا اهواز است. این نگاه ملتسمانه‌ی زنی دستفروش به مأموری است که برای جمع کردن بساط او آمده تا مگر از اینکارش منصرف شود! مقصر این تنگدستی و فقر که گریبان مردمی را گرفته که بر روی دریایی نفت زندگی می‌کنند ولی حتا از امکانات آب آشامیدنی هم محروم هستند، کیست؟؟؟

زنان موفق کشورمان را بشناسیم!




خانم دکتر «باران نیکراه» شاعر و نویسنده، که بیشتر با دکلمه های کوتاه در فضای مجازی شناخته میشوند. کیست؟

«باران نیکراه»، متولد (۱۳۶۷) رئیس دپارتمان علوم پایه دانشگاه گیلان،

رتبه اول در دکتری فیزیک اتمی و مولکولی، لیزر و پلاسما، مدرس زبان انگلیسی و فیزیک، تدریس دوره کمکهای اولیه، گذراندن دوره آتش نشان داوطلب در سازمان آتش نشانی، دوره آموزش رباتیک و شرکت در مسابقات رباتیک کشوری، عضو مجمع متخصصین گیلان، عضو آزمایشگاه فیزیولوژی دانشگاه گیلان، مجری همایش ها و کنفرانس های علمی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی، کسب گواهی ثبت اختراع دستگاه لیسازونگار مکانیکی

شما باعث افتخار ایرانیان خصوصن بانوان ایرانی هستید .



 [instagram.com / farid_majale](https://www.instagram.com/farid_majale)

**فکر نمیکنم او هیچ وقت در مورد
حقوق زنان چیزی خوانده باشد، اما
مردانگی یک غریزه است ...**



این تصویر از ایران نیست، ولی فرقی هم نمی‌کند، چهره کریه فقر در تمامی جوامع یک سان است:

مادران فقر و کار

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

کشاورز و دامدار نمونه

چطور شد شما کشاورز و دامدار نمونه شدید؟؟

-با من بودید؟؟ -آره

من در روستای اسلام آباد زندگی می کنم. چند هکتار زمین و چند راس گاو و گوسفند دارم اون زمان دیگر گذشت، صداقت و حلال حرام و راستگویی و مردی و مردا.....حالا باید بروز رسانی کرد. والا نمی تونی زنده بمانی. قدیما همه چیز با امروز فرق داشت **الآن کی به کیه**. وقتی گندمهایمان را به شرکت می فروشیم، مقداری ماسه بادی قاطی می کنیم تا سنگین بیاد. دیگه به هر انسانی ضرر کند یا نکند **کی به کیه**. وقتی سیب زمینی یا پیاز را می خواهیم در بیاوریم، یک دارویی هست از خارج نمیداز کشور خودمان می خریم. هورمون یا شیشدمه داوایی می گوئیم. موقع آبیاری با آب قاطی می کنیم به زمین می دهیم، اندازه سیب زمینی یا پیاز می شود اندازه توپ والیبال. دیگه بکسی ضرر کند یا نکند **کی به کیه**.

وقتی گاو یا گوسفندی را می بریم بازار بفروشیم. شب آرد نخود یا کنسانترا برایشان می دهیم. صبح اول وقت چند سطل آب می دهیم، تا موقع وزن کشی چند کیلو سنگین بیاید. آب را به قیمت گوشت می فروشیم. دیگر به قصاب سود کند یا نکند **کی به کیه**.

علوفات را که می بریم در میدان بفروشیم، به یونجه یا علف خشکیده آب می پاشیم تا سنگین بیاد. دیگه به دامدار سود کند یا زیان **کی به کیه**.

وقتی شیر گاو یا گوسفند را می بریم بفروشیم، مقداری آب جوش قاطی می کنیم. دیگر مشتری را مریض کند یا نکند **کی به کیه**.

عرق علف های صحرائی را می ریزیم توی شکر. زنبورها از شکر عسل درست می کنند، تا عطر گیاهان دارویی بیاید و مشتری فکر کند عسل اصل اصله. دیگر به مریض یا مصرف کننده سود کند یا زیان کی به کیه.

با کمک سم و ویتانین و هورمون در عرض ۴۵ روز مرغ را با وزن بیشتر از سه کیلو دست مشتری می دهیم دیگر مصرف کننده پا و کمر درد و سرطان و بشود یا نه. کی به کیه.

گنجشک را رنگ می کنیم جای قناری می فروشیم. دیگر آواز نخواند یا رنگش برود کی به کیه.

از لوبیای سفید و روغن، کره حیوانی درست می کنیم و می فروشیم. مخصوصان در ماه رمضان مشتری زیاده. دیگر روزه دار را اس.....ال کند یا نکند کی بکیه.

$2 \times 2 = 6$ کی به کیه .

قیمت را هر بقالی خودش تعیین می کند کی به کیه.

روز به روز تعداد قهوه خانه ها زیاد می شود. باشگاه و مدرسه کمتر. کی به کیه.

ووووووو امسال هم زیارت بیت خدا خواهم رفت. قبول بشه یا نشه حاجی بشم یا که نشم، کی به کیه .

کازیم عاشقی

انسان دوستی درمان هر پیشامدی است!

پزشکان می گویند زن زمان حاملگی نباید بترسد و گریه کند و نگران باشد و گرسنه و تشنه باشد و ... بر روی بچه تاثیر می گذارد. این قانون در کشور ما اجرا نمی شود. فرزند عزیزم دوست ندارم تو را به دنیاهایی بیاورم که ۸۰ درصد مردم دنیا گرفتار ۲۰ درصد آم انسان نما هستند.

امیدمان به دیندارها بود، اما وقتی اینها بقدرت رسیدند از همه بدتر شدند. هیچ خبر خوشحال کننده ای نیست. زلزله پشت زلزله. ایران سوریه ترکیه. از این خبرها آنقدر گریه کردم. همیشه یک قرص فشار می خورم آن شب دو تا خوردم.

از همیاری و همکار مردم خیلی خوشم آمد که به فکر انسان های دیگر در این شرایط گرانی هستند. اما بدانید خانه خیلی ها قبل از زلزله هم ویران است. در بعضی خانه ها نان شب نیست. لازم نیست زلزله بیاید. بیایید همیشه به مردم کمک کنیم نه در موقع گرفتاری.

نشسته بودیم، خیر زلزله ترکیه و سوریه رسید ما درد خودمان را ول کردیم ماندیم بحال آنها. صدای ناله مردم ترکیه را شنیدیم. زنی را دیدم در این هوای سرد و برفی لای سنگ ها و آجرها دنبال زندگی اش می گردد. همیشه دستمال بدست گرد و خاک خانه را پاک می کردحالا باید اشک چشمانش را پاک کند.

پیرمردی سرش را از چادر بیرون آورد، به سوی آسمان بلند آهی کشید. می دانم شعله هایش قلب و زندگی دیکتاتور ها را خواهد سوزاند.

ما شیشه ایم و باک نداریم از شکست شیشه هر چقدر بشکند تیزتر می شود

قدرتمندان خانه بی کسان و مظلومان را میدان قدرت نمایی خودشان انتخاب کرده اند، اسلحه هایشان را بر سر ما آزمایش می کنند. اما ببینید و بدانید:
ستمگران باآخر نمی رسند آینده از آن ستمدیدگان است

<؛گله جک بیزیم اولاجاخ >

وقتی تاریخ مصرف وسایل خوراکی تمام می شوند می ریزند به دریاها. وقتی تاریخ اسلحه ها و بمب ها ایشان نزدیک به تمام شدن می شو ، بین کشورهای کوچک جنگ و تفرقه می اندازند تا اسلحه هایشان را بفروشند. نسیه هم می دهند.

کاش قدرتمندان از تاریخ عبرت بگیرند ، اما وقتی قدرت بدست شان می رسد چشمان فقط زور را می ببند.

دوستان از اینکه مزاحم اوقات شریفتان شدم مرا به بزرگواریتان عفو کنید شرمنده نمی توانم آنطوری که غم مردم خوی را دیدم و هست، بنویسم. هم سواد درست حسابی ندارم ، هم خیلی مطالب را نمی توان از ترکی به فارسی برگردانم . بعضی از کلمات ترکی به هیچ زبانی دیگر ترجمه نمی شود.

از اینکه مطالب من را با صدها ایراد و اشتباه دنبال می کنید خوشحالم شما آموزگار من هستید

کازیم عاشقی

زلزله حاصل اقدامات دولت های سرمایه داریست، وقتی به محیط زیست اهمیت نمی دهند، سخنان دانشمندان در مورد تخریب محیط زیست را پشت گوش می اندازند و کنشگران زیست محیطی را به زندان می اندازند تا به کارخانه داران اجازه دهند بی محابا محیط زیست را آلوده و تخریب کنند. محیط زیست متعلق به همه بشریت است نه حتی یک ملت چون هر حرکت ضد محیط زیستی تاثیرش به همه دنیا بر می گردد.

گستره و خطر تشدید بحران آب در فیروزکوه و جنوب البرز

بحران آب آنقدر خطرناک بزرگ و دهشتناک هست که حتی نمی توان آن را با بمب اتم هایی که در هیرو شیما و ناکازاکی توسط بمباران هواپیماهای منفجر شد مقایسه نمود

برای جلوگیری از تشدید بحران آب در مناطقی مانند فیروزکوه و جنوب رشته کوه البرز و جلوگیری از فاجعه احتمالی آن چه باید کرد؟ بدوا لازم هست بر فاجعه ای که بر آن تاکید می نمایم توضیح مختصری داشته باشیم.

در ۱۰۰ میلیون سال پیش البرز جنوبی که شامل حواشی کویر مرکزی ایران قومس(سمنان) و فیروزکوه و دماوند و تا قزوین و علم کوه میشوند در یک فرایند کوه زایی (اتریشن) از آب خارج شدند و قریب یک میلیون و هشتصد هزار سال پیش آتشفشان دماوند شکل گرفت و این مخروطی که اکنون آن را بام ایران و کوه اساطیری دماوند مینامیم از ۶۰۰۰۰۰ سال پیش تاکنون شکل گرفت تا به شکل کنونی گشته است. اکنون کوه دماوند دو نگرانی دهشتناک را در حوزه تحقیقات زمین شناسان و دانشمندان این حوزه تقویت نموده است:

۱- آتشفشان کوه دماوند مجدداً " اکتیو گشته و گدازه های آن تهران و شهرهای - حواشی مخروط دماوند با بیش از پانزده میلیون جمعیت را با خاک یکسان سازد

۲- پنج گسل از جهات مختلف به مخروط دماوند ختم میشود که شامل گسلهای فیروزکوه و لار و مشاء و بلده و کندوان می باشد و این شائبه را بوجود میاورد در صورت فعال شدن این گسلها و ایجاد زلزله بسیار بزرگ تهران و شهرستانهای حواشی کوه دماوند را با بیش از پنج میلیون کشته روبرو سازد.

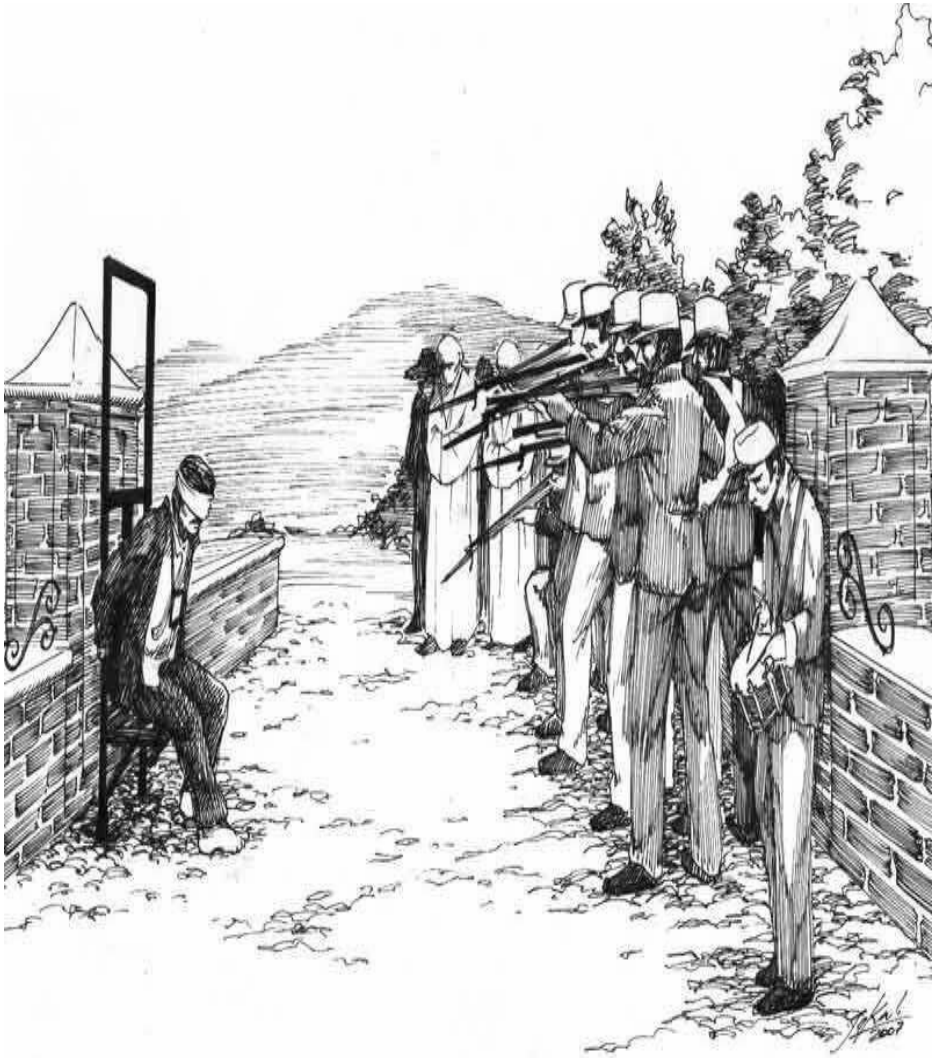
چه باید کرد؟؟ و مسوولین در چه فکری هستند؟

بحران آب و دهقانان!

در سالهایی که بحران آب برای جهانیان جدی شد ملل جهان از روشهای مختلف برای عبور از این بحران سود جستند. مانند اجرا نمودن پروژه های آبخیز داری نوین و تغییر روش آبیاری و پیگیری آبیاری تجمیعی و وووو. اما متاسفانه در کشور ما این پروژه ها مانند دیگر پروژه ها دچار رانت و روابط و رویکرد چپاول و غارت گشت. آنگونه که کاربران آب در حوزه کشاورزی را که ۶۳٪ آب را در اختیار دارند از اجرای پروژه های آبیاری نوین و قطره ای و تحت فشار بیزار نمود. در فیروزکوه نیز قریب پنج سال پیش در چهار روستا پروژه آبیاری تجمیعی را با بودجه های گزاف آغاز نمودند و پیمانکاران نیز از فرزندان مسولین و خصوصن سپاهی انتخاب شدند. الان پنج سال از آغاز آن پروژه ها که می بایست یک ساله آن را به پایان برسانند می گذرد. اندکی از کار را پیمانکاران انجام دادند و اما اکثرن بیش از ۸۰ درصد مبلغ قرارداد را دریافت نموده و پروژه ها را بحال خود گذاشته و رفتند.

در این میان بسیاری از روستاییان که برایشان کار کردند نیز از آنها مبالغی طلبکار بوده که نتوانستند حقوقشان را دریافت کنند. پیمانکاران رفتند و هیچ نهادی پاسخگو نمی باشد و همچنین زمینهای زراعی را که ممر درآمد دهقانان بود را به دلیل نیمه کاره بودن پروژه تخریب نمودند و بسیاری از شبکه های آبرسانی سنتی بدلیل قرار گرفتن در مسیر پروژه تخریب و غیرقابل استفاده گشته و همچنین به دلیل عدم نگهداری و رها کردن وسایل، مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است و در این بین روستاییان هم از خرمای بغداد محروم شدند و هم از برنج مازندران.

سیاوش روستایی



برای دیکتاتورها کشتن مردم بخاطر داشتن اندیشه ای متفاوت
 وحشت آور نبود. مایه ی وحشت این بود که حرفشان راست
 است...!

زندانی در برزیل!

زندانی در برزیل وجود دارد که زندانیان با خواندن یک کتاب و نوشتن برداشت خود از کتاب می توانند چهار روز از مدت زمان حبس خود کم کنند!

مردی که به جرم سرقت مسلحانه به زندان محکوم شده بود با خواندن حدود سیصد جلد کتاب، مدت حبس خود را از ده سال به کمتر از هفت سال کاهش داد. این مرد پس از آزادی از زندان، به لطف مطالعات و دانش کسب شده در مدت حبس، بلافاصله در آزمون ورودی معتبرترین دانشگاه این کشور پذیرفته شد و اکنون پس از گذشته ده سال از آزادی خود و اخذ مدرک دکتری، به عنوان استاد و مدرس دانشگاه مشغول به کار است.

او بر بسیاری از دوستان متخلف خود اثرات مثبت گذاشت و فرزندان او نیز تحت تاثیر این اقدام پدر، تغییر مسیر داده و در دانشگاه های معتبر پذیرفته شدند.

او با این عمل خود الهام بخش افراد زیادی در گرایش به مطالعه و تغییر مسیر زندگی خود شده است.

و به راستی که فرهنگ همیشه وحشتناکترین چیز برای یک دیکتاتور است زیرا مردمی که کتاب بخوانند هرگز برده نخواهند شد!!...

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

تا باد چنین بادا...

سخنان خوزه موخیکا رییس جمهور فقیر در مستند "بشر"

من "خوزه موخیکا" هستم. اولش برای تامین زندگی‌ام، توی مزرعه، کشاورزی می‌کردم. بعد زندگی‌ام رو وقف مبارزه برای تغییر کردم تا زندگی در جامعه‌ام بهتر شه. و حالا رییس جمهورم و فردا مانند هرکسی، فقط توده‌ای از کرم خواهم بود و ناپدید خواهم شد

ما در اروگوئه جت اختصاصی رییس‌جمهور نداریم، به ویژه که داشتنش برامون مهم نیست. تصمیم گرفتیم که هلیکوپتری بسیار گرانبه‌قیمت، هلیکوپتر نجات با وسایل جراحی، از فرانسه بخریم تا به صورت آماده باش در مناطق دورافتاده بمونه. به جای خرید جت اختصاصی رییس‌جمهور، یه هلیکوپتر داریم که به منطقه‌ی مرکزی اروگوئه اعزام می‌شه تا مصدومین حوادث رو نجات بده، و خدمات پزشکی اورژانس ارائه بده

شما همیشه می‌تونید دوباره برخیزید. ارزشش رو داره که باز از صفر شروع کنید، یه بار یا هزار بار، چون هنوز زنده هستید. این بزرگترین درس زندگی‌ست. به زبون دیگه، شما شکست نمی‌خورید مگر اینکه خودتون از مبارزه دست بردارید. شما زمانی از مبارزه دست برمی‌دارید که رویای خود را کنار می‌گذارید. جنگیدن، رویا داشتن، روی زمین بودن و مواجه شدن با واقعیت، این چیزیه که به وجود و به زندگی ای که در پیش می‌گیریم، معنا می‌بخشه. با پروردن کینه، بیزاری و حسد در خود، نمی‌تونید زندگی کنید. شما باید بیاموزید که جای زخم‌هاتون رو ببندید و به راه تون به سوی آینده ادامه بدین. اگر زندگی مو به لیسیدن زخم‌هام بگذرونم، نمی‌تونم پیش برم....

✧ خوزه موخیکا

در دهه ۱۹۵۰ مدیران اجرایی ۲۰ برابر
بیشتر از میانگین کارگران حقوق می گرفتند.
در دهه ۱۹۸۰ مدیران ۵۹ برابر
بیشتر حقوق می گرفتند.
در ۲۰۰۹ دستمزد مدیران ۱۸۰ برابر بیشتر بود.
امروزه، مدیران عامل ۳۹۹ برابر بیشتر
از میانگین کارگران حقوق می گیرند.
#آمریکا



Bernie Sanders ✓

@BernieSanders

In the 1950s, CEOs were paid 20x more than the average worker.
In the 1980s, CEOs were paid 59x more.
In 2009, CEOs were paid 180x more.
Today, CEOs are paid 399x more than the average worker.

We must put an end to this rampant greed and inequality.

درسنامه

آگاهی مایه خرد و تدبیر است و خرد و تدبیر شرط پیروزی. رزمنده آگاه از یک کامیابی مست و از یک ناکامی مایوس نمی شود. بهای خود و دشمن را خوب می شناسد. بین خود و مخالفین مرز درست می کشد و می داند کجا باید عقب نشینی کند و چرا، می داند کجا باید دست به تعرض بزند و چرا.

برای شناخت جامعه دو نوع قانون وجود دارد: قوانین عام و قوانین خاص.

قوانین عام شناخت اجتماع، آن قوانینی است که برای همه جوامع بشری به صورت یکسان رخ داده باشد. خواه جامعه ایرانی، خواه هندی، و اروپایی. مانند کمون اولیه سپس جامعه برده داری و بعد از آن جامعه فئودالی و آنگاه سرمایه داری. اینها قوانین عام جامعه اند که در هر کشوری با شدت و ضعفی روی داده است. رشد سالم و طبیعی هر جامعه ای یک قانون عام است. وقتی مناسبات تولید یا به بیان دیگر مناسبات مالکیت طوری نباشد که مانع رشد سالم و طبیعی نیروهای مولده (یعنی وسایل تولید همراه با انسان های مولد) سد نکند، این نیروها در چارچوب آن مناسبات مالکیت بدون بحران و جنگ و عدم تناسب، رشد یابند. آنگاه می گوئیم که ما بین نیروهای مولده و مناسبات تولید هماهنگی و تناسب حکمفرماست. اما پس از چندی سرانجام زمانی می رسد که این مناسبات برای رشد نیروهای مولده نامتناسب می شود. مانند کفشی که برای پای رشد یابنده کودک تنگ می شود و جامعه برای خروج از این مناسبات دست به تغییر می زند.

ویژگی های عمده نظام سرمایه داری امروزی چنین است:

سرمایه داری در همه جا یورش به حقوق بشر را شدت بخشیده است.

امپریالیسم در عرصه جهانی به طور فزاینده ای تجاوزگر شده است، و خطر یک جنگ عمده تازه افزایش یافته است.

اهمیت تقویت جنبش کارگری و سندیکایی!

تامین خواسته‌های صنفی - رفاهی طبقه کارگر و همهٔ زحمتکشان فکری و یدی کشور درگرو فعالیت آزادانهٔ سازمان‌های پایهٔ طبقاتی یعنی سندیکاهای مستقل کارگری است. علت آن نیز روشن است، جنبش سندیکایی گسترده‌ترین و مردمی‌ترین بخش جنبش کارگری به‌شمار می‌آید که اساساً شامل مبارزات اقتصادی - رفاهی طبقه کارگر و زحمتکشان است. جنبش سندیکایی، از لحاظ تماس با توده‌های وسیع زحمتکشان وسیع‌ترین سازمان متشکل کارگران محسوب می‌شود. جنبش سندیکایی همهٔ کارگران و زحمتکشان را صرف‌نظر از تفاوت‌های عقیدتی، سیاسی، مذهبی، مسلکی و نژادی دربر می‌گیرد و از حقوق صنفی آنها دفاع می‌کند. منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوبهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار محتوا، استقلال عمل و آزادی فعالیت سندیکایی و حقوق بنیادین کار را مشخص و برای تمامی دولت‌ها الزام‌آور کرده‌است.

لزوم احیای حقوق سندیکایی و برپایی سازمان‌های مستقل سندیکایی از اولویت‌های مبارزات کارگران میهن ما بوده و هست. نباید فراموش کنیم در سندیکاهای مسایل مربوط به جمع کارگران و آنچه کلیهٔ آنها را به‌دور هم گرد می‌آورد، مطرح است و این ویژگی و سرشت سازمان‌های پایهٔ طبقاتی کارگران یعنی شکل سندیکایی است. در سندیکاهای کارگران و زحمتکشان صرف‌نظر از درجهٔ آگاهی که نسبت به‌وضع خود در یک جامعهٔ طبقاتی دارند، به‌هدف دفاع از حقوق اقتصادی و رفاهی متشکل می‌شوند. در عین حال تاکید می‌کنیم جنبش سندیکایی در صحنهٔ سیاسی هرگز بی‌طرف و منفعل نبوده و از جانبداری طبقاتی برخوردار است. جنبش سندیکایی به‌طور کلی برتشکیل سندیکاهای پایه در کارگاه‌ها اعم از کارخانه، اداره و موسسهٔ دولتی یا خصوصی و تشکل‌های حرفه‌ای، رشته‌ای و سازمان سراسری در مقیاس کشور استوار است. بنابه همه این ویژگی‌ها چنین تشکلی می‌تواند و باید همهٔ زحمتکشان را از سطح کارگاه گرفته تا مقیاس تمام کشور دربر بگیرد. هیچ‌یک از تشکل‌های زرد حکومتی از محتوی مورد اشاره، ویژگی‌های نام‌برده و سرشت طبقاتی - سندیکایی برخوردار نیستند.

هرچه دوستش به او گفت :
 غلامرضا خم شو ، فایده ای نداشت !
 بعد از مراسم ازش پرسیدن ، چرا خم نشدی ؛
 برایت درسر میشود . او شاه مملکت است
 گفت : هرکه میخواهد باشد تختی فقط برای
 بوسیدن دست مادرش خم می شود .
 چقد تو این دوره زمونه ازین مردها و پهلوان ها
 کمیاب شده !
 (روحش شاد)





©Mohammadsaeed Saeedi

با بوسه ای پر مهر: « مادر جان خسته نباشی! »

به پیشواز روز جهانی زن ۸ مارس (۱۷ اسفند) برویم!

